

تحلیل اثرات پرداخت نقدی یارانه‌ها بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی (مطالعه موردی: روستایان عضو کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی شهرستان خدابنده)

طاهره صادقلو* - استادیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
مرضیه سجاسی قیداری - دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه خوارزمی، تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲

چکیده

با وجود پیشرفت‌های جهانی وجود فقر اقتصادی و به تناسب آن شکاف‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامع روستایی از چالش‌های اساسی برنامه‌ریزان و مدیران توسعه است. بر اساس این، در سال‌های اخیر دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا از طریق هدفمندسازی پرداخت یارانه‌های نقدی، زمینه‌های توانمندسازی گروه‌های هدف و روستایان نیازمند را فراهم کنند؛ از این‌رو هدف مطالعه حاضر، بررسی میزان تأثیرگذاری پرداخت یارانه‌های نقدی بر توانمندسازی گروه‌های هدف در روستاهاست. روش‌شناسی تحقیق از نوع تحلیلی-تبیینی و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه براساس شاخص‌های شانزده‌گانه صورت گرفته است. برای این منظور، ۳۶۵ خانوار روستایی عضو کمیته امداد و بهزیستی شهرستان خدابنده به‌عنوان نمونه مورد مطالعه از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در اغلب موارد میانگین شاخص‌ها و گویه‌های مطالعه شده، پایین‌تر از حد متوسط نظری است. براساس آزمون کای دو، بیشترین تأثیرگذاری یارانه‌های دریافتی، به ترتیب به شاخص بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی، شاخص تنوع‌بخشی رژیم غذایی، و افزایش توان و قدرت خرید تعلق دارد. بررسی همبستگی بین متغیر وابسته و مستقل نیز گویای وجود رابطه همبستگی بین آن‌هاست، اما نکته مهم این است که میزان رابطه بین آن‌ها شدت و ضعف‌های متفاوتی دارد. نتایج آزمون رگرسیون بیانگر تأثیر زیاد یارانه نقدی بر شاخص‌های افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی (با ضریب بتای ۰/۱۸۴)، تنوع‌بخشی رژیم غذایی (با ضریب بتای ۰/۱۸۱) و افزایش توان و قدرت خرید (با ضریب بتای ۰/۱۶۹) است.

واژه‌های کلیدی: یارانه، توانمندسازی، توسعه، جامعه روستایی، فقر.

مقدمه

امروزه، برنامه‌ریزان روستایی برای دستیابی به الگوی توسعه پایدار روستایی بیش از هر چیز بر توانمندسازی روستاییان، به‌ویژه گروه‌های هدف (فقیران، زنان بی‌سرپرست، کارگران بدون زمین و کشاورزان خرده‌پا و غیره) تأکید و اعتقاد دارند (محمدی‌یگانه و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۳)؛ زیرا فقر اقتصادی یکی از قدیمی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در همه جوامع است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۲). باید توجه داشت که زمانی فقر در یک جامعه به‌وجود می‌آید که افراد رفاه معیشتی که طبق معیارهای آن جامعه حداقل معقول تلقی می‌شود، نداشته باشند (خالدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

به‌طور کلی محققان فقر را به دو نوع نسبی یا مطلق تعریف می‌کنند. مفهوم فقر در فقر نسبی براساس استاندارد زندگی جامعه بررسی می‌شود. معمولاً محققان خط فقر نسبی را به اندازه نسبتی از میانگین درآمد در نظر می‌گیرند (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۸). خط فقر مطلق نیز مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعه مورد نظر برای تأمین حداقل نیاز یک فرد لازم است (خالدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۱۳)، این واقعیتی است که بیشتر فقیران و عموماً فقیرترین آن‌ها در نواحی روستایی زندگی می‌کنند؛ کسانی که منزوی و پراکنده‌اند و به خدمات اجتماعی - اقتصادی و دیگر خدمات دسترسی ندارند.

در کشورمان ایران نیز، فقر یا ضعف در تأمین نیازهای اساسی حداقل برای بخشی از جمعیت روستایی، از مهم‌ترین مشکلات نواحی روستایی کشور است؛ بنابراین، از آنجا که در فرایند توسعه روستایی، فقرزدایی، تأمین نیازهای اساسی و توانمندسازی فقرا در زمینه‌های مختلف جایگاهی اساسی دارد و حتی توسعه روستایی نیز راهبردی برای فقرزدایی در نواحی روستایی است، ضرورت فقرزدایی از طریق برنامه‌ریزی توسعه روستایی مشخص می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۲). در این زمینه در چند دهه اخیر، راهکارهای متعددی برای کاهش و حتی از بین بردن فقر اقتصادی در کشورها در سطح دنیا ارائه و تأکید شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تأکید بر توسعه کارآفرینی، ارائه اعتبارات خرد، هدفمندسازی یارانه‌ها، کمک‌های نقدی بلاعوض و... اشاره کرد که البته همه آن‌ها در راستای توانمندسازی اقتصادی روستاییان، به‌ویژه گروه‌های هدف است؛ زیرا فقرای روستایی ویژگی‌هایی دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دسترسی نداشتن به منابع مالی و سرمایه لازم اشاره کرد. از سوی دیگر نشانه‌های عینی نیز حاکی از آن است که امروزه یکی از اساسی‌ترین مشکلات روستاها در کشور، کمبود درآمد و شکاف‌های اجتماعی به لحاظ معیشتی است. بر این اساس توانمندسازی افراد فقیر در جوامع محلی از طریق شیوه‌های گوناگونی در بین کشورها دنبال می‌گردد.

بسیاری از کشورها برای مبارزه با فقر، به اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی می‌پردازند که هدف آن‌ها، حمایت از اقشار کم‌درآمد و افزایش قدرت خرید آن‌هاست. متداول‌ترین این طرح‌ها، پرداخت یارانه در دو بخش تولید و مصرف است. این کار در بخش مصرف در راستای ایجاد امکان تهیه کالاها و خدمات ارزان‌قیمت و کمک به ثبات قیمت کالاهای ضروری و در بخش تولید به منظور افزایش سطح اشتغال، رشد تولید و افزایش رقابت‌پذیری انجام می‌گیرد؛ از این‌رو دولت‌ها تلاش می‌کنند با تنظیم صحیح نرخ یارانه کالاهای مختلف، بیشترین منافع را عاید اقشار کم‌درآمد و دهک‌های پایین درآمدی کنند و به این ترتیب رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی را بالا ببرند (پیریایی و سیف، ۱۳۸۹: ۶۲). مسئله اصلی طراحی برنامه‌های حمایتی و از آن جمله پرداخت یارانه، شناسایی اقشار کم‌درآمد و فقیر در جامعه است که سبب می‌شود طراحی نظام‌ها و برنامه‌هایی برای حمایت از این اقشار، بسیار دشوار و پیچیده شود و گروه‌هایی که هدف این برنامه‌ها نیستند و اقشار ثروتمند جامعه بیشتر منتفع شوند.

در اقتصاد ایران نیز تا پیش از برنامه ۵ توسعه، علی‌رغم اختصاص مبالغ فراوانی برای حمایت از دهک‌های پایین درآمدی به‌خصوص در سال‌های اخیر، بخش عظیمی از یارانه‌ها به‌خصوص در بخش حامل‌های انرژی به‌دلیل هدفمند نبودن، عاید اقشار ثروتمند و دهک‌های بالای درآمدی شده و این در حالی است که پرداخت یارانه در اصل، با

هدف کمک به اقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه صورت می‌گیرد (پیرایی و سیف، ۱۳۸۹: ۶۲)؛ بنابراین، در راستای کمک به اقشار ضعیف و فقر اجتماعی، برخی از کشورها از طریق اعطای وام‌های کم‌بهره به‌دنبال توانمندسازی گروه‌های هدف، (راغفر و سرخدهی، ۱۳۹۰: ۱۸۲) و برخی دیگر نیز از طریق پرداخت مداوم نقدی با عنوان یارانه‌ها به‌دنبال توانمندسازی روستاییان فقیر هستند. این سیاست در چند سال اخیر در کشور ایران در حال اجراست؛ بنابراین، هدفمندسازی یارانه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای اقتصادی برای کاهش سطح فقر معیشتی و درآمدی، به‌ویژه در روستاهاست که دولت‌ها در کشورهای مختلف استفاده می‌کنند؛ زیرا دولت‌ها تلاش می‌کنند با هدایت هدفمند یارانه‌ها به سمت اقشار ضعیف اجتماع به‌ویژه روستاییان فقیر، شکاف اجتماعی را کاهش دهند و زمینه‌های توانمندشدن روستاییان را در زمینه‌های مختلف فراهم کنند. در این زمینه پرداخت نقدی یکی از شیوه‌های هدایت یارانه‌ها برای تواناسازی روستاییان است که در سال‌های اخیر پس از تصویب شدن قانون هدفمندسازی یارانه‌ها به آن توجه شد. در این بین، شهرستان خدابنده استان زنجان، از جمله شهرستان‌هایی است که جمعیت روستایی فراوانی را در خود جای داده است. از سوی دیگر، وابستگی این جمعیت، که اغلب در اقتصاد خرد فعالیت می‌کند به سازمان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی سبب شده است که به‌عنوان منطقه مورد مطالعه پژوهش مدنظر قرار بگیرد. اگر توانمندسازی را یکی از اهداف اساسی پرداخت نقدی یارانه‌ها بدانیم، هدف اصلی این مطالعه تحلیل آثار پرداخت یارانه‌های نقدی در توانمندسازی روستاییان عضو این نهادها در شهرستان مورد مطالعه است؛ از این‌رو بررسی این مسئله که با گذشت چندین سال از پرداخت نقدی یارانه‌ها در کشور به‌ویژه برای روستاییانی که قدرت اقتصادی و پرداختی مطلوب ندارند، چه میزان پرداخت نقدی در توانمندسازی افراد روستایی به‌عنوان هدف اصلی قانون هدفمندسازی تأثیرگذار بوده است؟ ضروری است تا نتایج آن برنامه‌ریزان را در ادامه موفقیت‌آمیز و اثربخش مراحل بعدی طرح تحول اقتصادی و هدفمندسازی یارانه‌ها کمک کند.

پیشینه پژوهش

درخصوص هدفمندی یارانه‌ها و اثرات آن تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که در اینجا به برخی از آن‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعات اشاره می‌شود. بیگی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان اثر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر و بیکاری به بررسی این سیاست اقتصادی پرداخته و بیان کردند که افزایش قیمت حامل‌های انرژی در کوتاه‌مدت سبب افزایش ضریب جینی و کاهش میزان بیکاری می‌شود. رضانی نامقی و خدیوی (۱۳۹۱) در تحقیق دیگر با عنوان اثرات و پیامدهای طرح هدفمندی یارانه‌ها بر اقتصاد روستایی (نمونه موردی: بخش کوه‌سرخ شهرستان کاشمر) به این نتایج دست یافتند که بیش از ۹۰ درصد روستاییان محدوده مورد مطالعه از طرح هدفمندی یارانه‌ها رضایت دارند، پرداخت یارانه‌های نقدی تأثیری اندک و منفی در انگیزه کسب‌وکار و تولید روستاییان داشته است، پرداخت یارانه‌های نقدی تغییری چشمگیر در سبد غذایی، پوشاک و وضعیت مسکن خانوارهای روستایی در مقایسه با گذشته ایجاد کرده و با پرداخت یارانه‌های نقدی سبب تغییرات زیادی در الگوی مصرفی و سطح کیفی زندگی روستاییان شده است. همچنین براساس نتایج، خانوارهای روستایی به راهنمایی، مشاوره و آموزش درخصوص هزینه‌کرد یارانه‌ها تمایل زیادی نشان داده‌اند. قاسمی و دیگران (۱۳۹۳) با مطالعه‌ای در شهرستان بینالود به تحلیل اثرات مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی پرداخته‌اند که نتایج فن تحلیل عاملی حاکی از برجسته‌بودن اثرات بعد اقتصادی در مقایسه با سایر متغیرها و عامل‌هاست. در مطالعه دیگری، صحرایی و دیگران (۱۳۹۴) به تحلیل تأثیر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی دهستان درود فرامان شهرستان کرمانشاه اقدام کردند که براساس نتایج به‌عمل‌آمده، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تأثیرات متفاوتی را بر خانوارهای روستایی گذاشته است. از مهم‌ترین این تأثیرات می‌توان به افزایش هزینه‌های اقتصادی خانوارهای روستایی، بروز اختلافات خانوادگی، کاهش قدرت خرید

روستاییان، کم‌رنگ‌شدن فرهنگ کار در میان جوانان، کاهش امنیت غذایی روستاییان، بهینه‌سازی در مصرف آب و برق و سوخت در میان خانوارهای روستایی و کاهش فرهنگ مصرف‌گرایی در بین خانوارهای روستایی اشاره کرد. بانک جهانی (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بازنگری بر یارانه بخش انرژی»، با توجه به نیاز کشورهای درحال توسعه برای کاهش فقر به انرژی‌های پاک، به ابعاد مختلفی از اثرات و پیامدهای یارانه بخش انرژی پرداخته شده و درنهایت با توجه به این نتایج، راهبردهای مطلوب ارائه شده است. گفتنی است کاهش فقر، ایجاد اشتغال، توسعه صنایع، امنیت انرژی و... همه از مزایای یارانه‌های انرژی هستند، اما در بسیاری موارد تقاضای زیاد مصرف‌کنندگان اندک یا همان نابرابری مصرف این امنیت انرژی و اثرگذاری یارانه را کاهش می‌دهد که باید درخصوص کالاهای مختلف این یارانه‌ها و تخصیص آن بازنگری شود. پترسکی (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان افزایش اثرات رفاهی برنامه یارانه کشاورزی برای محصولات کشاورزی در یوگسلاوی سابق، به مطالعه تأثیر یارانه در بخش کشاورزی بر رفاه خانوارها پرداخته شده که درنهایت طراحی و بازنگری مجدد بر برنامه‌های تخصیص یارانه بر محصولات راهبردی و راهبردی که این رفاه یا اقتصاد خرد خانوار را بهبود می‌بخشد پیشنهاد شده است. نتایج نشان می‌دهد این برنامه‌ها تنها بر بخشی، به‌ویژه مردان سرپرست خانوار روستایی مثبت ارزیابی شده است؛ از این‌رو لزوم بازنگری برای زنان سرپرست خانوار و فقرای شهری نیز وجود دارد (پترسکی، ۲۰۱۴). همچنین در مطالعه دیگری سدینگ و دیگران (۲۰۱۴)، به بررسی تأثیر حذف یارانه سوخت بر فقر در نیجریه پرداخته‌اند که در آن تأثیرات حذف یارانه سوخت بر اقتصاد و رفاه خانوارها بررسی، و به اثرات منفی و مثبت آن با هم توجه شده است؛ به این شکل که در کنار حمایت از اقتصاد تولید و گسترش نرخ تولید ناخالص در سطح کلان اقتصادی، اثرات منفی آن در سطح اقتصاد خرد خانوارها با فشار و توسعه فقر نمایان شده است (سیدینگ و همکاران، ۲۰۱۴).

شایان ذکر است توجه تمامی این مطالعات به تأثیرات یارانه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و در گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعات شهری، روستایی، کشاورزی و فقرا و... است که در مطالعه حاضر نیز مطمح نظر قرار گرفته است، اما مسئله تأثیرات پایدار یارانه‌ها، که به‌نوعی می‌توان از آن به‌عنوان توانمندسازی این اقشار یاد کرد کمتر به‌حق بررسی شده است که البته ممکن است به‌عنوان موضوع اصلی بحث عنوان شود.

مبانی نظری

تاکنون تعاریف متعددی از توانمندسازی در حوزه‌های علوم اجتماعی، روانشناسی، جغرافیا، مدیریت و... مطرح شده است و با اینکه تعریف استاندارد از توانمندسازی وجود ندارد، انتخاب، قدرت، کنترل بر زندگی و منابع، ظرفیت و توانایی تصمیم‌گیری از جمله مفاهیمی است که در اغلب تعاریف توانمندسازی به‌کار می‌رود. درواقع، توانمندسازی فرایندی از تغییر است که طی آن افراد و گروه‌های حاشیه‌ای و محروم، توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب را به‌گونه‌ای که بر زندگی‌شان تأثیر داشته باشد، به‌دست می‌آورند. ماجدی و لهسایی‌زاده (۱۳۸۵: ۱۱۸) توانمندسازی را به معنی افزایش ظرفیت افراد و گروه‌ها برای به‌وجود آوردن توسعه‌ای مؤثرتر و انتخاب‌های زندگی و انتقال این انتخاب‌ها به سمت کنش‌های مورد نظر می‌دانند. نارایان توانمندسازی را افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های فقرا برای مشارکت، مذاکره، تأثیرگذاری، کنترل و پاسخگو گذاشتن نهادهایی می‌داند که بر زندگی آن‌ها تأثیر دارد. با توجه به اینکه قابلیت‌ها و دارایی‌ها اغلب به دو صورت جمعی و فردی تقسیم می‌شود، توانمندسازی را نیز می‌توان در دو بعد جمعی و فردی در نظر گرفت (نارایان، ۲۰۰۶: ۵). بر پایه تعریف دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)^۱ (۱۳۷۲)، توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که سبب تسلط آن‌ها در تعیین

سرنوشت خود می‌شود. مفهوم این واژه غلبه بر نابرابری‌های بنیانی است (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ۱۳۷۲: ۱۴). در تعریفی دیگر، توانمندسازی به فرایند چندبعدی دسترسی افراد به منابع قدرت، برای افزایش سرمایه‌های فردی و گروهی، به منظور حرکت به سوی انتخاب‌های هدفمند، گفته می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۵)؛ بنابراین، توانمندسازی فرایند چندبعدی دسترسی و کنترل افراد به منابع قدرت برای افزایش سرمایه‌ها و ظرفیت‌های فردی و گروهی به سمت انتخاب‌های هدفمند است. چمبرز (۱۳۷۶)، توانمندسازی را به معنی قدرت‌بخشی به فقرا روستایی، و آن را شیوه‌ی واژگون‌سازی مدیریت توسعه روستایی می‌داند که در آن ابتکارات به گروه‌های دهقانی فرودست جامعه روستایی منتقل می‌شود. توانمندسازی یعنی توانا کردن افراد تا کنترل بیشتری بر روی زندگی خود داشته باشند، با انتخاب‌های بیشتری روبه‌رو باشند، خدمات بیشتری طلب کنند و از آن‌ها بهره‌مند شوند. توانمندسازی یکی از ستون‌های توسعه انسانی است که نقش چشمگیری در کاهش فقر دارد؛ بنابراین، از آنجا که اغلب افراد فقیر در مناطق حاشیه‌ای، و روستاها در کشورهای درحال توسعه قرار دارند، رهیافت توانمندسازی یکی از شیوه‌های فقرزدایی است؛ زیرا امروزه استفاده از توانایی و استعداد درونی روستاییان یکی از شیوه‌های مناسب رسیدن به هدف است که در قالب رویکرد توانمندسازی بروز می‌کند. در فرایند توانمندسازی گروه‌های هدف، عوامل متعددی مؤثر است که از جمله آن‌ها می‌توان به عامل اجتماعی- فرهنگی، عامل اقتصادی، عامل روان‌شناختی و عامل فردی اشاره کرد (حیدری ساربان، ۱۳۹۲: ۱۵۵). همچنین باید در نظر داشت که فرایند توانمندسازی از سه مؤلفه به‌طور هم‌زمان تشکیل شده است: نخستین مؤلفه منابع یا پیش‌شرط (شامل منابع و زمینه‌های توانمندسازی)، دومین مؤلفه عنصر عمل و سومی نیز نتایج است. بر اساس این می‌توان گفت منابع توانمندسازی عوامل یا سرمایه‌هایی هستند که گروه‌های هدف را در برابر شوک‌های ناگهانی زندگی حفظ می‌کنند و توانمندسازی را تسهیل می‌کنند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

محققان گوناگون عوامل متعددی را به‌عنوان عامل تأثیرگذار در توانمندسازی گروه‌های هدف و روستاییان بیان کرده‌اند. به‌عنوان نمونه بن حبیب و اشپیگل (۱۹۹۴) در توانمندسازی کشاورزان روستایی به عواملی مانند انسجام اجتماعی، احساس ارزشمندی کار، بالابودن درآمد، یکپارچه‌سازی اراضی و... تأکید دارند (بن حبیب و اشپیگل، ۲۰۰۳: ۱۴۳-۱۴۶). سادیک در فرایند توانمندسازی روستاییان به دسترسی به نهادها و تسهیلات و منابع تولیدی اشاره دارند (سادیک، ۲۰۰۱: ۳۴۵-۳۴۹). تیلمان در مطالعه خود به عواملی مانند تقسیم عادلانه منابع، بعد خانوار، روابط اجتماعی و... اشاره دارد (۲۰۱۰: ۶۷). حسن و هاسنر دریافت تسهیلات مالی و اعتباری را یکی از مهم‌ترین عوامل در تسریع توانمندسازی روستاییان می‌دانند (حسن، ۲۰۰۹: ۱۸-۲۰) (هانسر، ۲۰۱۰: ۳-۵)؛ بنابراین، یکی از ابزارهای توانمندسازی گروه‌های هدف و روستاییان، ارائه منابع و تسهیلات است. گیدنز منابع را شامل چیزهایی می‌داند که قدرت را به‌وجود می‌آورند. وقتی کنشگران تعامل می‌کنند، منابع را به‌کار می‌برند و با این کار کنش دیگران را شکل می‌دهند؛ بنابراین، توانمندسازی به کسب توانایی در دسترسی به منابع ضروری بستگی دارد که در روستاها اغلب بر منابع مالی و سرمایه‌ای در مرحله اول تأکید می‌شود که نقطه‌ضعف اغلب مناطق روستایی است؛ بنابراین، بحث نظری در رابطه با اهمیت دسترسی فقرا به منابع، به‌ویژه منابع مالی و هم‌زمان شدن این بحث‌ها با دهه سازمان ملل برای کاهش فقر در جهان سبب شد که صاحب‌نظران، دو رهیافت کارآفرینی و حمایتی را برای توانمندسازی فقرا ارائه دهند. در برخی کشورهای غالباً پیشرفته بر رهیافت کارآفرینی، و در برخی کشورهای درحال توسعه هستند بر رهیافت حمایتی تأکید شده است (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶: ۸).

رهیافت کارآفرینی: در این رهیافت، دسترسی به اعتبار برای فقرایی که توان کارآفرینی دارند امکان‌پذیر می‌شود. ایجاد اشتغال برای خود یا فرصت‌های شغلی برای دیگران و نیز درآمدزایی از اهداف این رهیافت است. افرادی که بدین ترتیب به اعتبار دسترسی می‌یابند، به فعالان اقتصادی در بخش خصوصی اضافه می‌شوند؛ البته این افراد لزوماً فقیر

نیستند؛ بنابراین، دسترسی افراد کارآفرین به اعتبارات در صورتی در توسعه توانمندسازی روستاییان نقش دارد که توزیع اعتبارات جزئی از برنامه جامع حمایت از بخش کارآفرینی خرد در اقتصاد تلقی شود.

رهیافت حمایتی: در این رهیافت که سازمان ملل مطرح کرده است و اندیشمندیانی مانند ساراسون (ساراسون و دیگران،

۱۹۹۳) آن را تأکید کرده‌اند، تأکید امکان دسترسی افراد به اعتبار با هدف کاهش فقر و تأمین حداقل‌ها در حدی فراهم می‌شود که روستاییان فقیر توان بازپرداخت آن را داشته باشند (دیهیم و وهایی، ۱۳۸۲: ۶۸)؛ زیرا کمبود سرمایه همواره یکی از موانع اصلی فراروی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه‌نیافته به‌ویژه روستاییان بوده است. یکی از مهم‌ترین رهیافت‌هایی حمایتی که دولت‌های مختلف به آن توجه و بر آن تأکید می‌کنند، پرداخت و توزیع یارانه‌هاست، یارانه یعنی مقدار منابعی که از محل بودجه عمومی به صنایع یا بازرگانی کمک می‌شود تا قیمت خدمات و کالایشان را در سطح پایین نگاه دارند. همچنین در تعریف دیگری، سود اقتصادی که معمولاً دولت‌ها به تولیدکنندگان کالا برای تقویت بازار رقابتی کشورشان پرداخت می‌کنند یارانه نام دارد (علیزاده، ۱۳۸۹: ۹۷). یارانه‌ها از نظر پرداخت به دو دسته یارانه‌های باز و یارانه‌های هدفمند تقسیم می‌شوند، یارانه باز برای همه خریداران یک کالا به‌طور یکسان اعمال می‌شود و یارانه را متوجه بازار می‌کند؛ مانند یارانه بنزین. به‌طوری‌که هرکس در بازار بیشتر خرید کند، بیشتر یارانه دریافت خواهد کرد. در این نوع یارانه، عمدتاً خانوارهای ثروتمند به‌دلیل مصرف زیاد یارانه‌های بیشتری دارند، اما در مقابل یارانه‌های هدفمند، سبب می‌شود که توزیع یارانه‌ها مناسب انجام شود و عمدتاً با محوریت حمایت از خانواده‌های فقیر باشد (صالح اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵) (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه سیستم بر مبنای وجود یارانه و توزیع هدفمند آن

سیستم بر مبنای وجود یارانه	سیستم بر مبنای یارانه هدفمند	رویکردها
نامناسب و ناکارآمد	با شناسایی درست جامعه هدف عادلانه است.	تحقق عدالت اجتماعی
و سهم کم دهک‌های پایین جامعه از یارانه امکان وجود فساد، رانت و افزایش اتلاف منابع	حذف فساد و رانت ناشی از هدفمندنبودن یارانه و کاهش اتلاف منابع	تخصیص بهینه منابع
مصرف بیش‌ازاندازه کالاها و انرژی به‌دلیل کم‌بودن قیمت‌ها	ایجاد فرهنگ درست و منطقی مصرف در میان افراد جامعه	مدیریت مصرف
کاهش رشد اقتصادی	شکوفایی و رونق اقتصادی در بلندمدت	رشد اقتصادی
آلودگی محیط زیست به‌دلیل مصرف بی‌رویه انرژی	کاهش آلودگی به‌دلیل بهینه‌شدن و درست مصرف‌کردن انرژی و جایگزینی انرژی‌ها با انرژی پاک و مثبت گسترش و رشد سرمایه‌گذاری	محیط زیست
ایجاد بازارهای موازی، قاچاق و کاهش سرمایه‌گذاری	گسترش و رشد سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری
شکاف بین قیمت داخلی و منطقه‌ای	از بین رفتن شکاف بین قیمت‌ها و افزایش توان صادراتی	شفاف‌سازی قیمت‌ها
تحریف قیمت‌ها و کارایی نداشتن نظام اقتصادی	افزایش کارایی نظام اقتصادی از طریق اصلاح قیمت‌ها و تخصیص بهینه منابع	کارایی نظام اقتصادی

منبع: علیزاده، ۱۳۸۹: ۹۹

طبق ماده ۹۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، دولت به‌منظور استقرار و ثبات اجتماعی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور، کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر و محرومیت‌زدایی و توانمندسازی فقرا باید از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را اجرا کند (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۹)؛ بنابراین، یارانه یکی از ابزارهای مهم اقتصادی و سیاست‌های حمایتی دولت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بخش‌های خاص تولیدی است. در تمام نظام‌های اقتصادی موضوع رفاه و تأمین اجتماعی بسیار مهم است و بخشی از هزینه‌های جاری دولت برای پرداخت‌های انتقالی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفته می‌شود (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷: ۱). چنانچه پرداخت‌ها به

گروه‌های هدف اصابت کند، هدف دولت به‌خوبی تأمین، و رفاه و امنیت اجتماعی تقویت می‌شود، اما پرداخت‌های همگانی نه‌تنها در ارتقای درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر تأثیری ندارد، بلکه سبب بهره‌مندی بیشتر افرادی می‌شود که از کالاهای مشمول یارانه بیشتر استفاده می‌کنند؛ از این‌رو، ضرورت پرداخت یارانه و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر امری بدیهی است. تاکنون بیشترین سهم از یارانه‌ها که همان ثروت ملی است نصیب افراد مرفه می‌شده و انتظار بر این است که با اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، نیازمندان به حقوق واقعی خود دست خواهند یافت. در دهه‌های گذشته نظام توزیع یارانه‌ها، نامناسب و از مشکلات اساسی اقتصاد ایران بود؛ به همین دلیل دهک‌های پایین جامعه سهم اندکی داشتند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین اهداف قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، اجرای عدالت و رفع تبعیض در میان افراد جامعه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸). بر اساس این، قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، دو محور اساسی دارد که یکی از آن‌ها «آزادسازی قیمت‌ها» و دیگری «توزیع هدفمند یارانه‌ها» است. محور بخش اول بیشتر بر یارانه دولت در بخش حامل‌های انرژی تمرکز دارد و محور بخش دوم به‌دنبال حمایت از افراد آسیب‌پذیر در جریان آزادسازی قیمت‌هاست.

گفتنی است هدفمندسازی بر این فرض استوار است که بخشی از جامعه برای دریافت کمک‌های انتقالی در اولویت بیشتری قرار دارد و از آنجا که منابع محدود است باید در توزیع این کمک‌ها اولویت‌ها رعایت شود؛ بنابراین، منظور از هدفمندسازی تعیین کسانی است که واجد شرایط دریافت کمک‌های انتقالی و حمایتی هستند؛ به‌نحوی که رفاه حاصل از پرداخت‌های انتقالی در اختیار فقرا قرار بگیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸). هدف از این کار برقراری عدالت اجتماعی، تخصیص بهینه منابع، مدیریت مصرف، افزایش بهره‌وری، توانمندسازی دهک‌های پایین جامعه و... است.

روشن است که برقراری عدالت اجتماعی از راه کاهش نابرابری‌های مادی و توزیع متعادل درآمدها صورت می‌گیرد؛ بنابراین، کاهش نابرابری‌ها و توزیع عادلانه درآمدها از راه سازوکارهای مناسب در سطح کلان اقتصادی و اجتماعی هموارتر خواهد شد. سیاست‌های مناسب در دستیابی به عدالت اجتماعی براساس جریان وابسته‌ای که تمام محورها و موضوعات با هم ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارند، تحقق اهداف را نزدیک‌تر خواهد کرد. نکته اینجاست که به‌منظور توزیع متعادل‌تر درآمد، همواره مناطق و نواحی گوناگون یا افراد جامعه یکسان بهره‌مند نمی‌شوند و این سبب خواهد شد که دستیابی به عدالت اجتماعی با وقفه طولانی‌تر امکان‌پذیر شود؛ از این‌رو، برابری فرصت‌ها نقش مهمی در تحقق کاهش نابرابری و ناعدالتی خواهد داشت. از جمله ابزارهای تحقق این رسالت برای گروه‌های خاص و هدف جامعه که دولت همواره بر آن‌ها تأکید کرده، برنامه‌های هدفمندسازی یارانه و پرداخت نقدی در کشور است؛ زیرا پرداخت‌های نقدی به افراد نیازمند عاملی تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده است که در آزادکردن نیروهای درونی، فعال‌کردن استعدادها، افزایش سطح ریسک اقتصادی و... تأثیرگذار است، هدف این برنامه‌ها بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش بیکاری و به‌وجودآوردن اشتغال به‌صورت خوداشتغالی و کارآفرینی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و فقر و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد اجتماع، به‌ویژه در مناطق روستایی است؛ زیرا پرداخت‌های نقدی یارانه، با هدف پدیدآمدن فعالیت‌های کوچک و جدید در روستاها، توانمندسازی افراد فقیر، کاهش شکاف و نابرابری‌های طبقاتی، بهبود وضعیت معاش اقتصادی خانوارها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص بهینه منابع کمیاب و کمک به ایجاد شرایط ثبات اقتصادی تأکید و اجرا شده است (دبیرخانه کارگروه تحولات اقتصادی ریاست جمهوری، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۰).

باید توجه داشت که پرداخت‌های نقدی در چارچوب اعتبارات خرد بلاعوض به‌شمار می‌آید. از نظر بانک جهانی هدف از پرداخت نقدی به روستاییان، کاهش فقر، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد، پایداری زیست‌محیطی و فراهم کردن زمینه رفاه روستاییان است (بانک جهانی، ۲۰۰۳). از نظر سازمان یونیسف^۱ «پرداخت‌های نقدی یارانه‌ها در راستای توانمندسازی

روستاییان و فقرا به آن‌ها اعطا می‌شود» (یونیسف، ۲۰۰۶: ۳). صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی^۱ اهداف پرداخت نقدی و اعتبارات خرد را شامل موارد زیر می‌داند (صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، ۲۰۰۳: ۱۴):

۱. تحرک اجتماعی، افزایش آگاهی‌ها، آموزش و قدرت‌دهی به فقیران؛

۲. افزایش اعتماد به نفس فقیران و ظرفیت‌سازی‌های محلی؛

۳. فراهم کردن زمینه کارگروهی برای ایجاد دارایی.

بنابراین، پرداخت نقدی به روستاییان در قالب یارانه‌ها از چند طریق سبب بهبود وضعیت فقرای روستایی می‌شود (دیپیم و وهابی، ۱۳۸۲: ۶۲):

الف) سطح آسیب‌پذیری گروه‌هایی با درآمد کم را از طریق افزایش سطوح درآمد خانوارها ارتقا می‌دهد و از معیشت پایدار فقرای روستایی حمایت می‌کند (درولت، ۲۰۰۹: ۸).

ب) فقرا با دریافت یارانه‌های نقدی می‌توانند واحد کسب‌وکار جدید ایجاد کنند یا کار خود را در مقیاس‌های مختلفی توسعه دهند (میسرا، ۲۰۰۶: ۵).

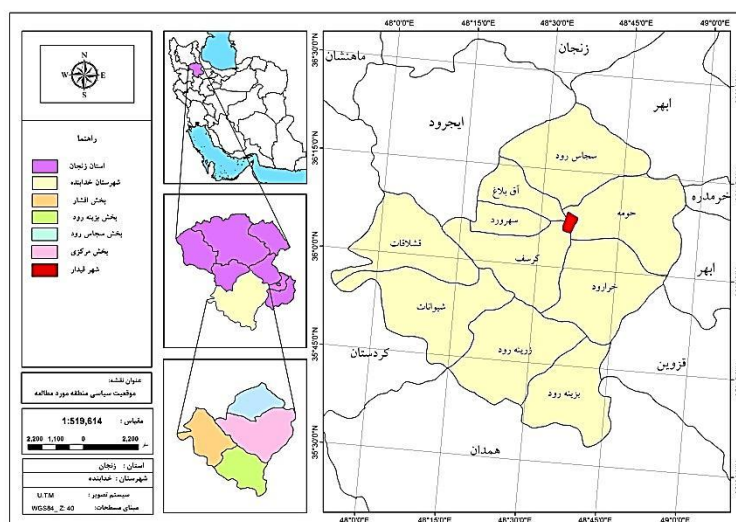
ج) توانمندسازی گروه‌های هدف، به‌ویژه در مناطق حاشیة شهری و روستایی از اهداف اساسی پرداخت یارانه‌های نقدی است؛ بنابراین، پرداخت‌های نقدی از سه جنبه بر توانمندسازی روستاییان و در مجموع گروه‌های هدف تأثیرگذار است؛ **جنبه اول بعد اقتصادی** است که از طریق آن قدرت اقتصادی خانوارها افزایش می‌یابد و توان ریسک‌پذیری زیادی حاصل می‌شود. **جنبه دوم بعد اجتماعی** است که در آن عمدتاً گروه‌های هدف از نظر احساس خوشبختی کردن، امید به آینده، انجام‌دادن کارهای مشارکتی و دسترسی به خدمات رفاهی توانمند می‌شوند. در نهایت **بعد سوم توانمندی روان‌شناختی** روستاییان است که از این طریق گروه‌های هدف احساس مؤثر بودن، شایستگی و اعتماد پیدا می‌کنند؛ از این‌رو پرداخت‌های نقدی یارانه‌ها تأثیر زیادی در قدرت‌یابی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی روستاییان دارد. بر اساس این، می‌گر بر این عقیده است که توانمندسازی روستاییان به اشتغال‌زایی، امنیت غذایی، بهداشت، حفاظت از محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی منجر می‌شود (میگر، ۲۰۰۴: ۳۱). همچنین فقرزدایی، کارآفرینی، دستیابی به رفاه اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی از دیگر برآیندهای توانمندسازی روستاییان است (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۳)؛ از این‌رو، عده‌ای از اندیشمندان بر این امر متفق‌القول هستند که روستاییان توانمند می‌توانند سهم ارزنده‌ای در تحقق اهداف توسعه روستایی پایدار داشته باشند.

روش پژوهش

این مطالعه، با هدف کلی بررسی تأثیر پرداخت نقدی یارانه‌ها بر توانمندسازی گروه‌های هدف در مناطق روستایی به شیوه پانل گذشته‌نگر (قبل و بعد) صورت گرفته است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی است؛ از این‌رو، به‌طور خاص روش‌شناسی مطالعه از جنبه هدف کاربردی است؛ زیرا در پی شناخت اثرات پرداخت نقدی یارانه‌ها بر روی خانوارهای گروه‌های هدف روستایی است که با استفاده از نتایج حاصل آن، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان دولتی در زمینه اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها رهنمون شوند. از جنبه جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی جنبه‌های تأثیرگذاری پرداخت نقدی یارانه‌ها در توانمندسازی خانوار، مطالعه از نوع اکتشافی، از نظر توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه، از نوع توصیفی و به دلیل برقراری ارتباط بین متغیرها از نوع تحلیلی است. در این پژوهش به‌منظور گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی مشاهده و تکمیل پرسشنامه بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده در چارچوب نظری استفاده شده است.

گفتنی است با توجه به متغیرهای تحقیق و روش‌های تجزیه و تحلیل، پرسشنامه مربوط به صورت سؤال‌های بسته و باز و شامل طیف‌هایی در قالب طیف لیکرت در مقیاس سنجش اسمی و رتبه‌ای تهیه شد و در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. در این مطالعه به منظور ساختار شاخص‌ها و گویه‌های مطالعه، از روش سلسله مراتبی استفاده شد که در سطح اول به سه بعد اصلی توانمندسازی خانوار تقسیم گردید. در سطح دوم، هریک از ابعاد به شاخص‌های متعدد تقسیم شدند و در سطح پایانی سلسله‌مراتب که قابل اندازه‌گیری است، گویه‌ها مطرح شده است. شیوه کمی کردن این شاخص‌ها با استفاده از روش مستقیم پرسشنامه بوده است که در آن گویه‌ها سنجش بومی شده‌اند؛ بنابراین، در این پژوهش براساس مسئله تحقیق و مطالعه نظری انجام شده، در نهایت شانزده شاخص به صورت غربال زنی به‌عنوان شاخص‌های توانمندسازی خانوار گروه‌های هدف، از میان خیل عظیم شاخص‌ها انتخاب شده است؛ بنابراین متغیر مستقل، تحقیق پرداخت نقدی یارانه‌ها و متغیر وابسته توانمندسازی است. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق ساخته، و روایی صوری پرسشنامه را نیز پانل متخصصان دانشگاهی تأیید کرده است. راهنما^۱ در منطقه مشابه جامعه آماری در سطح خانوار روستایی با تعداد ۳۷ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرون باخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی^۲ بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۵۹ الی ۰/۹۳ به دست آمد. جامعه آماری تحقیق به صورت تمام شماری و شامل تمام خانوارهای روستایی تحت پوشش دو نهاد کمیته امداد و بهزیستی است. براساس آمار تعداد مددجویان زیر پوشش کمیته امداد شهرستان خدابنده ۴ هزار و ۸۷۶ خانوار با جمعیت ۹ هزار و ۴۶۳ نفر است که از این تعداد ۲ هزار و ۷۸۱ خانوار برابر با ۴ هزار و ۷۰ مددجو جزو زنان سرپرست خانوار و ۲ هزار و ۹۵ خانوار برابر با ۵ هزار و ۳۹۳ نفر سرپرست مرد دارند و از مجموع کل مددجویان شهرستان خدابنده، ۱ هزار و ۱۰۶ خانوار برابر با ۲ هزار و ۱۴۶ نفر شهری و ۳ هزار و ۷۷۰ خانوار برابر با ۷ هزار و ۳۱۷ نفر روستایی هستند، همچنین حدود ۴ هزار و ۶۳۴ خانوار نیز تحت پوشش بهزیستی هستند که از این تعداد حدود ۳ هزار و ۴۳۷ خانوار در مناطق روستایی شهرستان ساکن‌اند. در این راستا برای نمونه‌گیری در منطقه مورد مطالعه، از فرمول کوکران با احتمال ۹۵٪ استفاده شد که از بین کل خانوارهای تحت پوشش دو نهاد کمیته امداد و بهزیستی که برابر با ۷۲۰۷ خانوار بود، ۳۶۵ خانوار برای نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند و توزیع نمونه‌ها به صورت تصادفی از بین سرپرست خانوارها بود، همچنین برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های T، همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

شکل ۱، نقشه محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نقشه شهرستان مورد مطالعه و موقعیت جغرافیایی آن

1. Pilot study
2. Reliability

بحث و یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های توصیفی جامعه نمونه نشان می‌دهد که میانگین سنی نمونه‌ها ۵۳ سال، و از این تعداد ۵۷/۲ درصد زن و ۴۲/۸ درصد مردان بوده‌اند و متوسط بعد خانوار سرپرست‌های مورد مطالعه برابر با ۵٫۱ نفر است. از نظر وضعیت سواد و تحصیلات ۵۸/۳ درصد بی‌سواد، ۳۴/۷ درصد ابتدایی و ۷ درصد راهنمایی به بالا هستند. بررسی شغلی جامعه نمونه نشان می‌دهد که ۱۰ درصد بیکار، ۲۹/۶ درصد خانه‌دار، ۳۹/۴ درصد باغدار و زارع و ۲۱ درصد نیز دامدارند.

تحلیل گویه‌ها به منظور تبیین اثرات یارانه‌های دریافتی بر توانمندسازی گروه‌های هدف، براساس آزمون T نشان می‌دهد که از مجموع گویه‌های بررسی شده در این مطالعه، تنها ۹ گویه (براساس طیف لیکرت ۵ تا ۱) بیشتر از حد متوسط ارزیابی شده (گویه‌های کاهش قرض‌های پولی، خرید قسطی لوازم، قدرت بازپرداخت اقساط، خرید وسایل ضروری و اولیه زندگی (تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و...))، کاهش میزان خوددرمانی‌ها، انجام آزمایش‌های دوره‌ای (چکاپ)، تهیه نیازمندی‌های آموزشی فرزندان، افزایش مصرف هفتگی پروتئین (گوشت و ماهی) در وعده‌های غذایی، افزایش مصرف هفتگی میوه و سبزی‌ها در برنامه غذایی) و در سطح آلفا ۰/۰۵ معنادار است و در سایر گویه‌ها تفاوت مؤلفه‌ها از مطلوبیت عددی آزمون به شکل منفی است؛ بنابراین، می‌توان گفت دریافت یارانه‌ها در زمینه‌های بسیار محدودی بر روی توانمندسازی گروه‌های هدف تأثیرگذاری زیادی از حد متوسط به بالا داشته است (جدول ۲).

جدول ۲. تأثیر یارانه‌های دریافتی بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی در سطح گویه براساس تفاوت از حد مطلوب

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۱۰۹۲							
شاخص‌ها	گویه‌ها	اماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین تر	بالا تر	
	داشتن پس‌انداز ماهانه	۰/۳۸۶	۳۶۴	۰/۷۰۰	۰/۲۰	-۰/۰۸۲	۰/۱۲۲
افزایش درآمد و ثروت	کاهش پیش‌فروش محصولات و تولیدات	-۱۳/۴۷۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۳۴۷	-۱/۵۴۵	-۱/۱۴۸
	کاهش قرض‌های پولی	۶/۲۵۵	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۶۰۴	۰/۴۱۲	۰/۷۹۶
افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی	دریافت وام	-۹/۰۶۶	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۰۶۹	-۱/۳۰۳	-۰/۸۳۵
	خرید قسطی لوازم	۱۵/۹۵۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۶۷۷	۰/۵۹۳	۰/۷۶۱
	قدرت بازپرداخت اقساط	۱۰/۵۸۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۳۱	۰/۴۳۱	۰/۶۳۰
	ایجاد واحد تولیدی جدید	۱/۳۶۸	۳۶۴	۰/۱۷۴	۰/۰۸۳	-۰/۰۳۷	۰/۲۰۲
	راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید	۱/۰۲۲	۳۶۴	۰/۳۰۹	۰/۱۱۹	-۰/۱۱۲	۰/۳۵۰
	افزایش سطح زیر کشت	۱/۲۳۸	۳۶۴	۰/۲۱۹	۰/۰۷۹	-۰/۰۴۸	۰/۲۰۶
ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت	تهیه و خرید ماشین‌آلات کشاورزی	-۰/۴۷۰	۳۶۴	۰/۶۴۰	-۰/۰۴۰	-۰/۲۰۷	۰/۱۲۸
	بهبود آماده‌سازی زمین برای کشت	۱/۵۲۷	۳۶۴	۰/۱۳۰	۰/۱۶۸	-۰/۰۵۰	۰/۳۸۷
	سرمایه‌گذاری در تسطیح زمین کشاورزی	۰/۲۶۵	۳۶۴	۰/۲۴۱	-۰/۰۲۰	-۰/۱۶۸	۰/۱۲۹
	راه‌اندازی سیستم آبیاری نوین	-۸/۴۳۰	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۷	-۰/۵۰۲	-۰/۳۱۱
	افزایش تعداد دام	-۱۲/۰۸۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۱۱۹	-۱/۳۰۲	-۰/۹۳۵
	افزایش توان پاسخگویی به نیازهای فرزندان و خانوار	-۵/۲۸۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۱۲۹	-۱/۵۵۳	-۰/۷۰۵
افزایش توان قدرت خرید	افزایش توان خرید به‌موقع نهاده‌های کشاورزی (سم، کود و...)	-۲۶/۱۲۸	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۸۰۲	-۱/۹۳۹	-۱/۶۶۵
	خرید وسایل ضروری و اولیه زندگی (تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و...)	۱۰/۳۳۶	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۹۴۱	۰/۷۶۰	۱/۱۲۱
	کاهش احساس تورم و گرانی	-۲۱/۸۹۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۲۵۷	-۱/۳۷۱	-۱/۱۴۳

ادامه جدول ۲. تأثیر یارانه‌های دریافتی بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی در سطح گویه براساس تفاوت از حد مطلوب

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۱۰۹۲						
شاخص‌ها	گویه‌ها	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
					پایین تر	بالا تر
بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	کاهش میزان خوددرمانی‌ها	۶/۱۷۰	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۷۰۳	۰/۴۷۷
	بازبینی دندان‌ها	-۰/۵۰۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۰	-۰/۲۴۶
بهبود دسترسی آموزشی	انجام آزمایش‌های دوره‌ای (چکاپ)	۷/۹۵۰	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۸۷۱	۰/۶۵۴
	امیدواری به ادامه تحصیل فرزندان	-۱۱/۸۰۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۱/۲۴۸	-۱/۴۵۸
تنوع‌بخشی رژیم غذایی	تهیه نیازمندی‌های آموزشی فرزندان	۶/۶۳	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۶	۰/۳۸
	ثبت‌نام فرزندان در کلاس‌های فوق‌العاده	-۳/۸۵۵	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۱۸۸	-۰/۲۸۵
افزایش مصرف هفتگی پروتئین (گوشت و ماهی) در وعده‌های غذایی	افزایش مصرف هفتگی پروتئین (گوشت و ماهی) در وعده‌های غذایی	۷/۱۸	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۶۲	۰/۴۳
	افزایش مصرف هفتگی میوه و سبزی‌ها در برنامه غذایی	۲/۹۶	۳۶۴	۰/۰۱	۰/۳۳	۰/۰۸
رضایتمندی از زندگی در محیط‌های روستایی	رضایتمندی از زندگی در محیط‌های روستایی	-۲/۰۵۰	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۳	-۰/۴۳۸
	بیشتر شدن مهمانی‌های خانوادگی	-۱۳/۵۹۹	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۶۵	-۰/۶۴۷
شادکامی و احساس خوشبختی	احساس برابری اجتماعی (کاهش فاصله طبقاتی)	-۸/۰۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۶	-۰/۵۸
	کاهش سطح کار کودکان	-۸/۹۲	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۶۳	-۰/۷۸
امید به آینده	کاهش سطح کار خارج از خانه برای زنان	-۸/۱۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۶	-۰/۹۷
	داشتن آرامش روحی و روانی از نظر مالی	-۹/۷۶	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۸۸	-۱/۰۷
افزایش بیمه شدن	کاهش نگرانی به آینده	-۴/۵۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۹۲	-۱/۴۰
	بیمه کردن خانواده	-۲/۵۱	۳۶۴	۰/۰۰۳	-۰/۴۱	-۰/۷۸
افزایش بیمه شدن	بیمه محصولات و تولیدات کشاورزی	-۳/۹۹	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۱	-۰/۷۹
	انجام دادن بیمه‌های متفرقه (سرقه، آتش‌سوزی و...)	-۶/۶۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۲	-۰/۶۹
تقویت فرهنگ صرفه‌جویی	صرفه‌جویی در مصرف برق	-۴/۴۵	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۹	-۰/۷۳
	استفاده بهینه از آب	-۰/۰۴	۳۶۴	۰/۹۷	-۰/۰۱	-۰/۳۷
افزایش حس مؤثر بودن	صرفه‌جویی در مصرف سوخت (نفت و بنزین)	-۱/۹۷	۳۶۴	۰/۰۷	-۰/۱۹	-۰/۳۹
	احساس خوداثربخشی	-۷/۱۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۰	-۰/۶۵
احساس معنادار بودن	مسئولیت‌پذیری	-۸/۴۳	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۱	-۰/۵۰
	ارزشمند دانستن کار	-۱۳/۶۰	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۶	-۰/۶۵
احساس شایستگی	خلاقیت	-۷/۴۲	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۶۵	-۰/۷۲
	خوداتکایی	-۱۲/۵۲۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۳	-۰/۶۴۲
خود تعیینی	خطرپذیر بودن	-۹/۲۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۷۵	-۰/۳۴۷
	هدایت‌گر بودن	-۰/۰۲۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۱	-۰/۴۹۶
تقویت اعتماد به نفس	تأثیرگذاری در آینده زندگی خود	-۶/۲۶۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۲۷	-۰/۶۷۱
	احساس خودسازمانی	-۵/۲۷۲	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۶	-۰/۷۴۲
تقویت اعتماد به نفس	پذیرش اجتماعی	-۲/۳۸۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۱	-۰/۴۲۷
	مشارکت اجتماعی	-۶/۴۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۸۴	-۰/۶۷۱
تقویت اعتماد به نفس	داشتن نگرش مثبت به زندگی	-۱۲/۶۹۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۴۷	-۰/۴۲۶
	احساس ارزشمند بودن	-۶/۷۴۰	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۴۳	-۰/۲۷۵
تقویت اعتماد به نفس	عزت نفس	-۲/۷۲۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۱۷	-۰/۵۷۴

در ادامه، این تحلیل در سطح شاخص نیز انجام شده است که نتایج براساس آزمون T نشان می‌دهد در مجموع شانزده شاخص بررسی شده و تمامی شاخص‌ها در سطح آلفا ۰/۰۵ معنادارند؛ یعنی یارانه‌ها از نظر نمونه‌های بررسی شده توانسته‌اند تاکنون در ایجاد توانمندی‌های مختلف زندگی برای روستاییان مؤثرتر باشند (جدول ۳).

جدول ۳. تأثیر یارانه‌های دریافتی بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی در سطح شاخص‌ها براساس تفاوت از حد مطلوب

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۱۰۹۲						
شاخص‌ها	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین‌تر	بالا‌تر
افزایش درآمد و ثروت	۳/۹۸۶	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۴۳	-۰/۰۹۳	۰/۳۴۲
افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی	۴/۷۲۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۸۵۷	-۱/۵۸۷	۱/۷۶۵
ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت	۲/۶۵۶	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۴۳	-۰/۷۵۲	۰/۹۶۳
افزایش توان و قدرت خرید	۲/۴۲۶	۳۶۴	۰/۰۰۰	۲/۷۴۳	-۱/۶۵۳	-۱/۲۶۹
بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	۰/۶۴۲	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۵۴	-۰/۸۷۳	۰/۷۶۲
بهبود دسترسی آموزشی	۵/۷۴۲	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۷۴۸	-۱/۲۴۶	۰/۵۴۶
تنوع‌بخشی رژیم غذایی	۳/۸۴۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	-۲/۱۹۴	۰/۷۵۲
شادکامی و احساس خوشبختی	۲/۸۳۹	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۸۳۶	-۰/۵۳۱	-۰/۷۶۲
امید به آینده	۰/۵۳۸	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۶۲	-۰/۴۶۹	۰/۱۸۳
افزایش بیمه‌شدن	۵/۷۳۵	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۶۴۲	-۰/۹۸۷	۰/۵۳۲
تقویت فرهنگ صرفه‌جویی	۲/۷۸۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۸۴۶	-۰/۷۳۹	۰/۶۲۷
افزایش حس مؤثر بودن	۰/۶۸۲	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۲۸	-۰/۳۵۸	۰/۲۴۵
احساس معنادار بودن	۰/۹۳۷	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۲۹۵	-۰/۷۲۹	-۰/۲۵۵
احساس شایستگی	-۱/۵۳۱	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۲/۴۱۵	-۱/۷۳۵	۰/۶۲۴
خودتعیینی	۰/۸۳۴	۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۲۱	-۲/۲۴۵	۰/۲۷۴
تقویت اعتماد به نفس	-۱/۸۲۵	۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	-۱/۲۵۷	۰/۲۶۳

منبع: نگارندگان پژوهش، ۱۳۹۴

در ادامه، بررسی میزان رابطه دریافت یارانه‌های نقدی با شاخص‌های متغیر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی براساس ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد از نظر نمونه‌های بررسی شده یارانه‌های دریافتی براساس ضرایب آلفای به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ در تمام زمینه‌های توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی تأثیرگذار است، اما نکته مهم این است که شدت تأثیرگذاری متفاوت است و این نشان می‌دهد که دریافت یارانه‌ها در تقویت و توانمندی روستاییان در ابعاد و زمینه‌های مختلف به صورت یکسان تأثیرگذار نبوده است؛ بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که پرداخت یارانه‌ها، عمدتاً تغییر در جنبه‌های عینی و آنی زندگی روستاییان را هدف قرار داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین همبستگی پرداخت یارانه‌ها به ترتیب با شاخص‌های افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی، تنوع‌بخشی رژیم غذایی، افزایش توان و قدرت خرید، بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی و بهبود دسترسی آموزشی است (جدول ۴).

جدول ۴. رابطه بین یارانه‌های دریافتی خانوار و متغیرهای توانمندسازی (همبستگی پیرسون)

شاخص	ضریب همبستگی	سطح معناداری
افزایش درآمد و ثروت	۰/۲۴۱	۰/۰۳
افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی	۰/۴۷۹	۰/۰۲۷
ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت	۰/۲۸۶	۰/۰۰۲
افزایش توان و قدرت خرید	۰/۳۵۷	۰/۰۲۷
بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	۰/۳۲۹	۰/۰۰۴
بهبود دسترسی آموزشی	۰/۳۲۷	۰/۰۰۷
تنوع‌بخشی رژیم غذایی	۰/۴۵۱	۰/۰۰۲
شادکامی و احساس خوشبختی	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰
امید به آینده	۰/۱۷۴	۰/۰۰۹
افزایش بیمه‌شدن	۰/۱۶۴	۰/۰۰۲
تقویت فرهنگ صرفه‌جویی	۰/۱۲۱	۰/۰۰۱
افزایش حس مؤثر بودن	۰/۱۲۷	۰/۰۰۱
احساس معنادار بودن	۰/۲۵۶	۰/۰۲۷
احساس شایستگی	۰/۱۷۴	۰/۰۰۱
خودتعیینی	۰/۲۲۹	۰/۰۴۳
تقویت اعتماد به نفس	۰/۲۷۷	۰/۰۴۶

منبع: نگارندگان پژوهش، ۱۳۹۴

جدول ۵. متغیرهای تأثیرگذار در مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره

شاخص	مقدار B	انحراف معیار	ضریب استاندارد (بتا)	آماره T	سطح معناداری
افزایش درآمد و ثروت	۰/۰۴۹	۰/۰۲۵	۰/۱۴۸	۲/۶۰۲	۰/۰۰۰
افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی	۰/۰۸۰	۰/۰۲۹	۰/۱۸۴	۲/۷۳۹	۰/۰۰۱
ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت	۰/۰۹۱	۰/۰۳۳	۰/۱۴۷	۲/۹۸۵	۰/۰۰۳
افزایش توان و قدرت خرید	۰/۰۷۱	۰/۰۲۶	۰/۱۶۹	۲/۸۱۹	۰/۰۰۴
بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	۰/۰۴۱	۰/۰۱۱	۰/۱۴۷	۲/۴۱۰	۰/۰۰۰
بهبود دسترسی آموزشی	۰/۱۲۷	۰/۰۷۴	۰/۱۵۲	۲/۷۸۱	۰/۰۱۴
تنوع‌بخشی رژیم غذایی	۰/۰۲۱	۰/۰۱۴	۰/۱۸۱	۲/۵۲۴	۰/۰۰۰
شادکامی و احساس خوشبختی	۰/۰۴۹	۰/۰۳۱	۰/۱۲۷	۲/۳۴۱	۰/۰۲۴
امید به آینده	۰/۰۵۷	۰/۰۴۷	۰/۱۲۶	۲/۱۲۷	۰/۰۰۲
افزایش بیمه‌شدن	۰/۰۶۴	۰/۰۲۶	۰/۱۱۳	۲/۳۷۱	۰/۰۱۵
تقویت فرهنگ صرفه‌جویی	۰/۰۵۷	۰/۰۲۱	۰/۱۲۱	۲/۴۳۲	۰/۰۰۰
افزایش حس مؤثر بودن	۰/۰۷۹	۰/۰۴۳	۰/۱۰۶	۲/۱۰۱	۰/۰۰۲
احساس معنادار بودن	۰/۰۲۸	۰/۰۰۶	۰/۱۰۹	۲/۴۱۲	۰/۰۱۳
احساس شایستگی	۰/۰۲۱	۰/۰۱۳	۰/۱۱۹	۲/۳۱۷	۰/۰۴۱
خودتعیینی	۰/۰۴۷	۰/۰۲۹	۰/۱۱۷	۲/۲۰۴	۰/۰۳۷
تقویت اعتماد به نفس	۰/۰۴۶	۰/۰۳۴	۰/۱۱۰	۲/۳۴۲	۰/۰۲۶

منبع: نگارندگان پژوهش، ۱۳۹۴، $R^2: ۰/۸۴۲$

در ادامه مطالعه، میزان دریافت یارانه نقدی به عنوان متغیر مستقل و شاخص‌های توانمندسازی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد؛ به طور کلی مقدار ضریب R^2 به دست آمده برابر با $۰/۸۴۲$ است که بیان می‌کند واریانس تبیین شده برای

مدل رگرسیون مطالعه برابر با ۸۴ درصد است که از طریق شاخص‌های مطالعه تبیین شده است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد دریافت یارانه نقدی تأثیر مثبتی بر افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی (۰/۱۸۴)، تنوع‌بخشی رژیم غذایی (۰/۱۸۱) و افزایش توان و قدرت خرید (۰/۱۶۹) داشته است (جدول ۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

روش پرداخت نقدی در چارچوب پرداخت یارانه‌ها یکی از شیوه‌های مهم و تأثیرگذار در راستای توانمندسازی و ارتقای سطح کیفی زندگی افراد فقیر و دهک‌های پایین اجتماعات انسانی، به‌ویژه در مناطق روستایی است تا بتوان از این طریق شکاف زندگی بین طبقات اجتماعی را کاهش داد و اغلب افراد روستایی را که سطح کیفی زندگی آن‌ها مطلوب نیست به استانداردهای مطلوب زندگی نزدیک کرد؛ بنابراین، پرداخت یارانه نقدی در راستای ارتقای توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی افراد فقیر و گروه‌های هدف صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، یارانه‌های نقدی عاملی تسهیلگر برای توانمندسازی است؛ به همین منظور در این مطالعه تلاش شده است گروه‌های هدف میزان تأثیرگذاری دریافت یارانه‌های نقدی را در جامعه روستایی بر روی جنبه‌های مختلف توانمندی آن‌ها بررسی کنند. برای این کار، گروه‌ها از جامعه آماری عضو کمیته امداد و بهزیستی ساکن در مناطق روستایی انتخاب شدند. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد دریافت یارانه‌های نقدی و توزیع آن از سوی دولت در چند سال گذشته توانسته است به‌صورتی ملموس و پذیرفته بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی تأثیرگذار باشد. براساس نتایج به‌دست‌آمده تأثیرگذاری یارانه‌های دریافتی بر همه شاخص‌های مورد بررسی مشاهده می‌شود که یکی از دلایل مهم آن این نکته است که در محیط‌های روستایی، به‌ویژه افراد عضو در کمیته امداد، به‌دلیل اهمیت مقدار یارانه‌های دریافتی عمومی از یارانه‌ها در مقایسه با محیط‌های شهری که تورم تأثیرگذاری زیادی دارد، بیشتر مشاهده می‌شود. در بین گویه‌ها نیز بیشترین اثرات بر کاهش قرض‌های پولی، خرید قسطی لوازم، قدرت بازپرداخت اقساط، خرید وسایل ضروری و اولیه زندگی (تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و...)، کاهش میزان خوددرمانی‌ها، انجام آزمایش‌های دوره‌ای (چکاپ)، تهیه نیازمندی‌های آموزشی فرزندان، افزایش مصرف هفتگی پروتئین (گوشت و ماهی) در وعده‌های غذایی و افزایش مصرف هفتگی میوه و سبزی‌ها در برنامه غذایی مشاهده می‌شود، اما در مجموع بررسی همبستگی بین متغیر وابسته و مستقل، گویای وجود رابطه همبستگی بین آن‌هاست. در این بین، باید توجه داشت که میزان رابطه بین آن‌ها شدت و ضعف‌های متفاوتی دارد؛ به عبارت دیگر دریافت یارانه‌ها رابطه معنادار و بیشتری با تغییر شاخص‌هایی مانند افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی، تنوع‌بخشی رژیم غذایی، افزایش توان و قدرت خرید، بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی و بهبود دسترسی آموزشی دارد. همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که دریافت یارانه نقدی بیشترین تأثیر را بر شاخص‌های افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی (۰/۱۸۴)، تنوع‌بخشی رژیم غذایی (۰/۱۸۱) و افزایش توان و قدرت خرید (۰/۱۶۹) دارد.

نتایج هدفمندی یارانه را می‌توان به دو شکل کوتاه‌مدت و بلندمدت دسته‌بندی کرد که نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه، در قالب کوتاه‌مدت مؤید نتایج مطالعات پیشین و بیان شده در پیشینه تحقیق است؛ به‌طوری‌که براساس نتایج تحقیق بیگی و دیگران (۱۳۹۱)، سیدنگ و دیگران (۲۰۱۴) و قاسمی و دیگران (۱۳۹۳) سبب اثرات اقتصادی، بهداشتی، رفاهی و زیستی اولیه می‌شود. حتی در بلندمدت نیز اثرات مثبتی نظیر افزایش نرخ تولید ناخالص داخلی و اشتغال در اقتصاد کلان دارد، اما متأسفانه پیامدهای آن در اقتصاد خرد خانوارهای روستایی با گذشت زمان منفی و تقویت‌کننده‌گسترش فقر خواهد بود؛ زیرا شواهد عینی نشان می‌دهد با افزایش سطح تورم در کشور و در شرایطی که مقدار یارانه‌ها در مقایسه با سال آغازین ثابت باقی مانده، قدرت تأثیرگذاری یارانه‌ها روزبه‌روز در حال کاهش است، اما باید توجه داشت که در بین مردم فقیر همچنان تأثیرگذاری آن به‌دلیل پایین بودن درآمد اقتصادی چنین خانوارهای حذف شده است. در

مطالعه انجام شده براساس نتایج رگرسیون مشخص شد که پرداخت یارانه نقدی اثرات کمتری بر زندگی گروه‌های هدف روستایی و توانمندسازی آن‌ها داشته است؛ زیرا با افزایش میزان بهای انرژی از یک سو و افزایش سطح تورم از سوی دیگر، قدرت مردم روستایی به‌ویژه گروه‌های هدف در زمینه‌های مختلف کاهش یافته است؛ زیرا به نظر می‌رسد با اینکه پرداخت یارانه در سال اول، به تغییرات محسوس در زندگی اقشار کم‌درآمد و گروه‌های هدف در نقاط روستایی منجر شد، به‌مرورزمان با توجه به افزایش سطح تورم و هزینه‌های زندگی، همچنین افزایش تدریجی و تناوبی قیمت حامل‌های انرژی بدون تغییر در سطح یارانه‌های پرداختی، سبب کاهش اثر یارانه‌های پرداختی در زمینه توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی شد. از سوی دیگر، کم‌بودن مبلغ ارائه‌شده به همراه نبود زمینه‌های آموزشی مناسب برای اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری، سبب هدایت یارانه‌های نقدی خانوارها به‌سوی خرید مواد و کالاهای اولیه در سطح خانوارها شده است؛ بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد که از جمله آن‌ها، ارائه آموزش‌های کارآفرینانه برای به‌کارگیری یارانه‌های نقدی در فعالیتهای اشتغال‌زایی، تشویق تشکیل صندوق‌های مشارکتی در روستاها برای سرمایه‌گذاری یارانه‌های نقدی در پروژه‌های عمرانی، پرداخت یارانه نقدی به گروه‌های هدف عضو کمیته امداد و بهزیستی برای تأثیرگذاری و برقراری عدالت است که همگی باید بیشتر از مقدار فعلی در نظر گرفته شود؛ زیرا افزایش تورم چند سال اخیر به کاهش ارزش پولی یارانه نقدی فعلی بین خانوارهای روستایی منجر شده است.

منابع

۱. افتخاری، عبدالرضا و دیگران، ۱۳۸۸، نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی: مطالعه موردی استان اردبیل، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، شماره ۶۹، صص ۸۷-۱۰۳.
۲. بیگی، سحر، سامتی، مرتضی و حسین شریفی رنانی، ۱۳۹۲، اثر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر و بیکاری (فاز اول هدفمندی یارانه‌ها)، اولین همایش ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، گروه علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ۲۸ آذرماه ۱۳۹۲.
۳. پیرایی، خسرو و سید بهروز سیف، ۱۳۸۹، تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران، پژوهشنامه مالیات، سال نهم، شماره ۵۷، صص ۶۱-۸۲.
۴. چمبرز، رابرت، ۱۳۷۶، توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حیدری ساریان، وکیل، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی اهر، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی اهر، سال سیزدهم، شماره ۴۱، صص ۱۵۵-۱۷۰.
۶. خالدی، کوهسار، یزدانی، سعید و اندیشه حقیقت‌نژاد شیرازی، ۱۳۸۷، مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۲۰۵-۲۸۸.
۷. دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ۱۳۷۲، نقش زنان در توسعه، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۸. دیهیم، حمید و معصومه وهابی، ۱۳۸۲، دستیابی زنان به اعتبارات نظام بانکی، پژوهش زنان، دوره ۱، سال اول، شماره ۷۱، صص ۶۱-۸۷.
۹. راغفر، حسین و فاطمه سرخه‌دهی، ۱۳۹۰، شناسایی خانوارهای نیازمند در طرح هدفمندکردن یارانه‌ها با وجود نابرابری اطلاعاتی، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۸۱-۲۰۷.
۱۰. رحمانی، مریم و دیگران، ۱۳۸۷، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان: مطالعه موردی روستای پشت رود بم، مجله مطالعات زنان، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۳۲.
۱۱. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس.
۱۲. رضانی نامقی و مهدی محمد، خدیوی، ۱۳۹۱، اثرات و پیامدهای طرح هدفمندی یارانه‌ها بر اقتصاد روستایی (نمونه موردی: بخش کوه‌سرخ، شهرستان کاشمر)، اولین همایش ملی توسعه روستایی، رشت، دانشگاه گیلان.

۱۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ۱۳۸۴، فقر روستایی: روند اندازه‌گیری آن در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۸۹-۳۲۶.
۱۴. صالح اصفهانی، جواد، ۱۳۸۹، بررسی ابعاد مختلف هدفمندکردن یارانه‌ها، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۱ اردیبهشت.
۱۵. طالب، مهدی و زهره نجفی‌اصل، ۱۳۸۶، پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بومین زهرا، فصلنامه روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۳، صص ۱-۲۶.
۱۶. قاسمی، مریم، عبدالهی، سمانه و حدیث خاکشور، ۱۳۹۳، تحلیل اثرات مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: شهرتان بینالود)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۳۰.
۱۷. علیزاده، مهدی، ۱۳۸۹، درآمدی بر تأثیرات اقتصادی هدفمندکردن یارانه‌ها: مجله اقتصاد شهر، شماره ۸، صص ۹۶-۱۰۶.
۱۸. کلانتری، خلیل و دیگران، ۱۳۸۹، بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی، مطالعه موردی: شهرستان همدان، مجله توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۳۷، صص ۱۰۷-۱۲۴.
۱۹. ماجدی، سید مسعود و عبدالعلی لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵، بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی، مطالعه موردی: روستاهای استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، سال نهم، شماره ۴، صص ۹۱-۱۳۵.
۲۰. محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی و کبری احمدی، ۱۳۹۳، بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرا روستایی، مطالعه موردی: دهستان غنی بیگلر زنگان، مجله جغرافیا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۳۵، صص ۲۳۳-۲۴۷.
۲۱. محمودی، وحید، ۱۳۸۶، اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸، آثار اجتماعی هدفمندسازی یارانه‌ها و راهکارهای پیشنهادی، دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس.
۲۳. مصباحی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، بررسی و آسیب‌شناسی هدفمندسازی پرداخت یارانه‌ها، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۱۶۱-۱۹۲.
۲۴. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷، هدفمندی یارانه‌ها، بررسی مفهوم و تجربه کشورهای، وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
25. Benhabib, J. and Spiegel, M. 1994, **Role of human capital in human development: evidence from aggregate cross- country data**, Journal of Monetary Economics, Vol. 34, No. 2 , pp. 143- 173.
26. Drolet, j. 2009, **women and micro credit: implications for social and economic development**; Social Development Issues, Vol. 14, No. 1, pp. 55-68.
27. Hancer, M., Thomas George, R. 2003, **Psychological empowerment of non- supervisory employees working in full- service restaurants**, Management, Vol.22, No. 1, pp. 3- 16.
28. Hasan, L., 2009, **Participatory development, The Shifting Realities of International Cooperation**, The City University and Howard Samuels Center, New York, pp.18- 20.
29. IFAD, 2003, **the rural development potential of IFAD, S credit projects**, online available: www.ifad.org.
30. Megar, S, 2004, **Empowerment; what is it**, mcb University Press Group & Management, pp. 29- 31.
31. Misra, A., 2006, **micro finance in India and millennium development goals: maximizing impact on poverty**, discussion paper for workshop on World Bank, Singapore, 18 September.
32. Narayan, d., 2006, **measuring empowerment cross disciplinary perspective; the world bank**, Washington.
33. Petreski, M., 2014, **Increasing the welfare effect of the agricultural subsidy programme for food crop production in the former Yugoslav Republic of Macedonia**, report of Trade policies, household welfare and poverty alleviation, http://unctad.org/en/PublicationChapters/gds2014d3_03_FYRoM_en.pdf

34. Sadik, N., 1988, **Women, the center of development**, Journal of Development, vol. 1, No. 2, pp. 30-31.
35. Sarason, I. G., Levine, H., Basham, R. B., Sarason, B. R., 1983, **Assessing social support: the social support questionnaire**, journal of personality and social psychology, Vol. 44, No. 1, pp. 127-139.
36. Siddig, K., and et al., 2014, **Impacts of removing fuel import subsidies in Nigeria on poverty**, Energy Policy, Vol.16, No. 69, pp.165-178.
37. Tillman, F., 2001, **Empowerment: the US experience, empowerment in organizations**, pp. 67- 70.
38. UNCDF, 2006, **building inclusive financial sectors that serv poor and low income people**, web document, UNCDF Microfinance.
39. World Bank, 2003, global economic prospects and the developing countries, report year: 2003.
40. World Bank Group Energy Sector, 2010, Subsidies in the Energy Sector: An Overview, http://siteresources.worldbank.org/EXTESC/Resources/Subsidy_background_paper.pdf

In Persian

41. Eftekhari, A.R., and et al., 2010, **Role of Empowerment on Agricultural Development (Case Study: Ardabil Province)**, human geographical researches, Vol. 41, No. 69, Winter 2010, pp.87-103.
42. Beygi, S., sameti, M., and Sharifi ranani, H., 2013, **the effect of subsidies targeting on poverty and unemployment(the first step of subsidies targeting)**, the first national conference of Irans economic landscape through of advocating of internal produce approche, the economic science department of Khorasegan Azad university, Isfahan, 19 decembre 2013, pp. 20-31.
43. Chambers, R., 1983, **rural development: putting the last first**, translated by: Essex, England: Longmans Scientific and Technical Publishers; New York: John Wiley.
44. Heidari Sarban, V., 2013, **Survey of Influential Factors on Farmers Empowermentin the Rural Areas of Ahar County**, journal of Geographic Space, Vol. 13, No. 41, pp. 155-170.
45. Khaledi, K., Yazdani, S., Haghighat nejad shirazi, A., 2007, **studing the Irans rural poverty and determining the effective factors on that with emphasis on agricultural dimension investigating**, journal of Iran economical research, Vol.10, No. 35, pp.205-288.
46. Governmenta Women's Affairs Office and United Nations Children's Fund, 1993, **role of womens in development**, Roshangaran press, Tehran.
47. Deyhim, H., and Vahabi, M., 2003, **Women's access to bank systems credit**, womens researches, Vol.1, No. 7, pp. 61-87.
48. Raghfar, H., and Sorkhedehi, F., 2011, **identifying the poor families in subsidies targeting plan with emphasis on informational unequality**, journal of social welfare, Vol. 11, No. 43, pp. 181-207.
49. Rhmani, M., and et al., 2008, **the role of micro credit on womens empowerment: case study area: Posht rud village in Bam township**, journals of women s studies (Sociological and Psychological), Vol. 6, No. 3, pp. 105-132.
50. Rezvani, M.R., 2004, **introduction to rural development planning in Iran**, Ghomes publication, Tehran.
51. Ramezani Nameghi, Mo.,and Khadivi, M., 2012, **the effects and impacts of subsidies targeting plan on rural economy(case study area: Kohsorkh district of Kashmar township)**, the first ntional congress of rural development, Rasht 23 september, Gilan university, Iran.
52. Zahedi Mazandarani, M. j., 2005, **rural poverty: its measuring trend in Iran**, journal of social welfare, Vol. 4, No.17, pp. 289-326.
53. Saleh isfahani, J., 2010, **surveing the different dimensions of subsidies targeting**, economic word newspaper, 20 may.
54. Taleb, M., and Najafi Asl, Z., 2007, **the impact of rural micro credits on womens haousholders**

- economical empowerment, with attending to Zeinab Kobra (piese be upon her) plan in Boin Zahra rural points**, journal of rural and development, Vol.10, No. 3, pp. 1-26.
55. Ghasemi, M., Abdollahi, S., and Khakshor, H., 2014, **An Analysis of the Effects of the Subsidies Targeting on Rural Communities (Case Study: Binalood County)**, Journal of Research and Rural Planning Vol.3, No.6, pp. 117-130.
56. Alizadeh, M., 2010, **Introduction to the economic effects of subsidies**, journal of urbans economy, Vol. 1 , No. 8, pp. 96-106.
57. Kalantari, Kh., Shabanali fami, H., and Soroushmehr, H., 2010, **Facilitating and Impeding Factors in Rural Women Economic Enablement (Case study: Hamedan County)**, Journal of Community Development, Vol. 37, No. 2, pp. 107-124.
58. Majedi, M., and Lahasai zadeh, A., 2006, **Examine the relationship between demographic variables, social capital and quality of life satisfication (case study area: Fars provience rural area)**, journal of Rural and development, Vol. 9, No. 4, pp. 91-135.
59. Mohammadiyeganeh, B., Cheraghi, M., and Ahmadi, K., 2014, **Review the Effects of Micro-Credit on Economic Empowerment of the Rural Poor Case study: Ghani Begloo Village, Zanjan City**, Geography and Development Iranian Journal, Vol.12, No. 35, pp. 233-247.
60. Mahmudi, V., 2007, **Measure Poverty and Income Distribution in Iran**, Samt publication, Tehran.
61. Iran Parliment Research Center, 2009, **social impacts of subsidies Targeting plan and proposed solutions**, Social Studies Research Center of the parliament.
62. Misbahi Muaqaddam, Gh.R., Ismaeli Geevi, and Hamidreza, Rayaei, M., 2009, **A Study and Identification of Risks of Targeted Payments of Subsidies**, Islamic Economy, Vol. 9, No. 35, pp. 161-192.
63. Department of Planning and Economic Affairs of Ministry of Commerce, 2008, Targeted subsidies, the concept and the experience of countries, Ministry of Commerce, Bureau of Studies and Planning.